

هفت هنر

نگاهی به نمایش «تعبید، خشم سرخ»

«بر فور منسی» از موسیقی و نور و بدن

آینا قطبی‌یعقوبی

■ «خیم‌هایم را دفن خواهم کرد همچون شکوفه‌ها/ مردگان را می‌شمارم و دفن می‌کنم/وجودم را، عضلاتم را و نفسم را از این زمین جدا خواهم کرد» (بر گرفته از متن نمایش)

نمایش «تعبید، خشم سرخ» کاری از ایتالیا یکی از نمایش‌های شرکت‌کننده در بخش بین‌المللی پانزدهمین جشنواره تئاتر دانشگاهی است که در سالن اصلی تئاتر «مولوی» چهار اجرای عمومی دارد. نمایش، داستان بازمانده یک جنگ است؛ زنی که سرزمین مادری و مردمشان را در جنگ و آتش از دست داده و در تبعید و از گذر یادآوری گذشته، با احساسات و خاطرات خود در گیر است.

نمایش، از خلال صدای زن یک در قالب روایتی کلامی، موسیقی، نور، صدا و بدن چهار بازیگر و میزاسن‌هایی سنجیده و دقیق روایت می‌شود. موسیقی و نور مهم‌ترین عناصر اجرای این نمایشند. اجرا در تاریکی و با صدای موسیقی که در زیر متن خود ضربان قلب را نهان دارد، آغاز می‌شود. ضربان قلب، عنصر ثابت موسیقی تا انتهای نمایش است؛ موتیفی که با تغییر ضرباهنگ خود،ضرباهنگ اصلی نمایش را شکل می‌دهد. هرجا آرام می‌شود نورهایی که به صحنه می‌تابند نیز آرام‌تر شده و به تبع آن حرکت بازیگران نیز که تابعی از نور در صحنه است نیز آرام‌تر می‌شود. هرجا ضربان قلب تندتر می‌شود صدای موسیقی و ضرباهنگ نورهای صحنه نیز تندتر شده و به‌تبع آن بازیگران نیز سریع‌تر و خشن‌تر حرک می‌کنند. نور در این نمایش تنها روشن‌کننده صحنه یا سازنده فضا نیست، بلکه هویتی مرکزی و کاراکترگونه دارد. تغییرات جهت و رنگ و ضرباهنگ تابش آن بر صحنه است که رفتار بازیگران را تعیین می‌کند. در حقیقت، نور به نوعی به ذات فیزیکی و فلسفی خود بازی‌گرده ذاتی که بدون آن دیدن، تصویر و رنگ ممکن نیست. در ابتدای نمایش، صحنه تاریک، با نورهایی خطی روشن می‌شود و بازیگران با ریتم کند موسیقی روی این خطوط که در ابتدا افقی هستند، حرکت می‌کنند. کم‌کم ریتم موسیقی بالاتر می‌ود و خطوط عمودی نور نیز به صحنه اضافه می‌شوند و حرکت بازیگران را در جهت تازه‌ای هدایت می‌کنند. با این چرخش موسیقی نورهای افقی و عمودی از صحنه، صفحه شطرنجی می‌سازند که حرک شلوغ و پرسرعت و گاه درهم‌بازیگران را به دنبال دارد. در این میانه پس از هر اوج موسیقایی، دوباره فرودی است؛ فرودی که کم‌کم نورها و بدن‌ها را آرام کرده و در اینجاست که صدای روایتگر زن، قصه اصلی را برای مخاطب می‌خواند. این متن روایتگر، ضرباهنگی از سرگذشت و عواطف این بازمانده‌اند؛ شعرهایی که با آرزوی او در ابتدای نمایش برای اینکه کاش او هم با سایر مردگان مرده آغاز شده و در نهایت با تصمیم او برای دفن کردن زخم‌هایش همچون بدن مردگان به پایان می‌رسد.

تعبید، خشم سرخ؛ پرفور منسی دقیق و موفق است که به‌خوبی از عناصر شکل‌دهنده یک نمایش بهره می‌برد. صدا، نور و بدن در این نمایش، پرقدرت و بی‌جا به کار گرفته می‌شوند. ریتم آرام موسیقی و نورهای خطی سفید، آندوه و حرمان را بازتاب می‌دهند و ریتم تند موسیقی و نورهای درهم‌تنیده سفید خشم آمیخته به رنج را، در میانه نمایش نورهای قرمز نیز به صحنه می‌آیند؛ نورهایی که در قالب پنج پروژکتور رو به مخاطب تابیده و در همراهی موسیقی تند و سرسام‌آور و حرکات مفلوش و جنون‌آسای بازیگران، دلبره، خشم، درد مرگ و ویرانی را به‌خوبی به تماشاگر القا می‌کنند.بازیگران نمایش بالباس‌هایی یکسان وقافتی تقریبا برابر و حرکات از پیش تعیین‌شده دقیق، یادآور بازیگران عروسک‌شده میوه‌ل هستند. با این‌حال این بازیگران تنها روایت‌هایی تربیت‌شده نیستند. آنها در مواقعی که نور صحنه بر چهره تابیده می‌شود، نیز به‌خوبی از عهده‌ارز احساسات و فضاسازی حسّی با صورت برمی‌آیند. آکسسوار در این اجرا حداقلی است و در حقیقت نمایش در صحنه‌ای خالی و بدون آکسسوار اجرا می‌شود. اما همان اندک وسایلی که به کار گرفته می‌شوند، نیز کلاما در خدمت نمایشند. شلاق‌هایی که بازیگران در صحنه یادآوری آتش‌سوزی شهر به‌صحنه آورده‌اند، با رقص ضربات آنها در هوا و زمین، هم تصویر شعله‌های آتش را می‌سازند و هم با صدای کوبش آنها بر کف سالن وحشت و دلهره را بر فضا حاکم می‌کنند. در واپسین صحنه‌های نمایش یکی از بازیگران زن در هم‌نواپی با موسیقی، آوازی را به شیوه ایرانی می‌خواند؛ آوازی که هم یادآور میراث ایرانی ایالتیالیست و به‌نوعی استفاده از عناصر بومی در کاری کلاما مدرن تلقی می‌شود و هم احساسات این زن بازمانده را به نمایش می‌گذارد؛ زنی که هرچند از ابتدای نمایش در محاصره نور و صداست که همان عواطف، خاطرات و ذهنیات خودش هستند؛ اما کم‌کم از این محاصره رهاتر شده و در انتها صاحب صدا نیز می‌شود؛ صدایی که می‌خواهد تقدیر خویش را فراموش کند.

خبر ویژه

داوری جشنواره عکس و پوستر «دل‌دیده» آغاز شد

■ داوری آثار ارسال‌ی به بخش پوستر جشنواره عکس و پوستر «دل‌دیده» در نگارخانه برگ با حضور احمدرضا دالووند، مسعود نجابتی و علی وزیریان، داوران این بخش آغاز شد. اسامیل بیش از هزار آثار در بخش‌های عکس و پوستر توسط طراحان و مردم علاقه‌مند به طراحی پوستر و عکاسی از سراسر کشور به دبیرخانه این جشنواره ارایه شده که از میان آنها ۱۲۲۰ اثر در بخش پوستر و ۱۷۰۰ اثر در بخش عکس توسط هیات‌داوران این جشنواره داوری می‌شوند. آثار منتخب دومین جشنواره عکس و پوستر «دل‌دیده» همزمان با برگزاری بزرگداشت سالروز رحال نیکنگار، انقلاب‌اسلامی ایران، خردادماه‌سال جاری در سطح شهر به نمایش گذاشته می‌شود.

صادق تبریزی

روزی که انجمن خوشنویسان پایه‌گذاری شد، دورنمای واضحی از آینده برای بانیان آن وجود نداشت. انجمن که فعالیت خود را با چند شاگرد به عدد انگشتان یک دست آغاز کرد، اکنون به مقاملی رسیده که به گفته یکی از کارکنان مرکز هنرهای تجسمی سالیانه یک‌هزار فارغ‌التحصیل در سطح کشور دارد که به درجه ممتاز نایل می‌شوند؛ در حالی که به گفته علی شیرازی با وجود انواع رنما‌فازهای خوشنوسی، به آسانی می‌توان برای دستیابی به هر گونه خط به کامپیوتر مراجعه کرد. ابتدا دلخوشی خوشنویسان آن بود که شیوه‌ای می‌دانستند که آنها را از سایرین متمایز می‌کرد و این امتیاز موهبت بزرگی بود، اما به ذهن آنان خطور نمی‌کرد این ذوق‌آزمایی به کسب و کار پردرآمدی تبدیل شود. لای افرادی که اکنون به انجمن خوشنویسان مراجعه می‌کنند بدون داشتن کمترین ذوق و علاقه تنها انگیزه‌شان تبدیل شدن به یک هنرمند «فناشیخط» شده که با دیجیتال پرینت و دای کات، قطعات خوشنویسی را اگرگلدیسمان کرده و به دلار تبدیل کنند. همان‌طور که علی شیرازی در مصاحبه‌اش با مجله الف شماره ۸۶ آذر و دی ۱۳۹۰ صفحه ۱۲۶ با کمال افتخار به آن اعتراف می‌کند

پرویز براتی: به تازگی تالار بزرگ سمفونی اسپیس نیویورک میزبان کنسرت دونوازی محمدرضا لطفی و محمد قوی حلم بود؛ رویدادی که آمریکایی‌ها از آن به‌عنوان «بازگشت استاد موسیقی ایرانی به نیویورک پس از ۱۹ سال» یاد کردند. این کنسرت طبق معمول کنسرت‌های اساتید ایرانی در خارج، با استقبال مخاطبان ایرانی و غیرایرانی رویه‌رو شد و آن‌طور که «نیویورک‌تایمز» گزارش داده، حدود ۱۰ هزار نفر را به تالار سمفونی اسپیس کشاند. این کنسرت بخش آغازین تور موسیقی این نوازنده تار و سه‌تار در آمریکا و کانادا بود و بازتاب‌های متفاوت رسانه‌ای در مطبوعات آمریکا و اروپا داشت. در حالی که «نیویورک‌تایمز» لطفی را نوازنده‌ای دانسته که با سازش مخاطب را مسحور خود می‌کند، روزنامه ایرلندی «ایریش‌تایمز» او را به «لنتای می‌سی‌سی‌پی» تشبیه کرد که با سازش، موجب نزدیکی فرهنگ‌ها به هم می‌شود. این روزنامه ایرلندی در گزارشی نسبتا مفصل، جمله‌ای به نقل از لطفی به این مضمون آورده که «موسیقی قادر به نجات ما انسان‌ها از نابودی نیست؛ با این حال اصوات شیرین آن غیرقابل نادیده گرفتن هستند». بخش‌هایی از گزارش این روزنامه اشاره به استقبال ۱۰ هزار نفری مخاطبان در کنسرت نیویورک دارد و بخشی از توصیف‌های جالب نویسنده در مورد این نوازنده و آهنگساز این‌گونه گزارش می‌دهد: «لطفی ۶۵ساله با آن موه‌ای سفید بلندش و محاسن و به رنگ برف، شبیه عارفانی است که به جنگ تیرهای اهریمنی می‌روند. تجربه گوش‌سیردن به نواي ساز او دست‌کمی از گوش‌دادن به موسیقی نوازندگان بزرگ جاز آمریکا ندارد و البته این نکته عجیبی درباره موسیقی ایرانی

کالسکه طلایی برای جیلان

روز ۱۷ می در افتتاحیه بخش دوهفته کارگردانان، جایزه «کالسکه طلایی» جشنواره کن امسال به پاپس یک عمر دستاورد سینمایی به «وری بیلگه جیلان»، اعطا خواهد شد. وی پس از حضور در مراسم پرشش و پاسخ، کلاس کارگردانی پیشرفته برای فیلمسازان جوان بر گزار خواهد کرد.

اعتراض و تشکر مسوولان سیاسی از مسایل هنری

ایستنا: برای هنرمندان ایرانی امری عادی است که مسوولان درباره وضعیت شکل‌گیری و اهمیت یا ایجاد قوانین تازه در زمینه هنر سخن بگویند. این بار «دیوید کامرون»، نخست‌وزیر انگلستان از عملکرد موفق صنعت موسیقی این کشور و افزایش فروش بین‌المللی آثار موسیقی هنرمندان آن تقدیر کرده است. همچنین وزیر امور خارجه ایتالیا با انتقاد از مسوولان بر گزاری جشنواره رم به تغییر ریاست آنها اعتراض کرده است. به گزارش بی‌بی‌سی، دیوید کامرون گفت: «موسیقی انگلستان در تمام جهان طرفدار دارد و به عنوان یک کشور، ما می‌توانیم به موفقیت صنعت موسیقی برجسته خود افتخار کنیم. صنعتی که در دنیا پیشتاز است. تصمیم دارم حرفه‌های خلاق انگلستان را حمایت کنم تا برای جوانان این کشور اشتغال‌زایی شود.» از سوی دیگر «لورنزو اورتانی»، وزیر فرهنگ ایتالیا از مسوولان جشنواره فیلم رم به دلیل ایجاد بی‌نظمی در برنامه سایر جشنواره‌های فیلم این کشور به شدت انتقاد کرد. در وی به دلیل تغییر تاریخ برگزاری این فستیوال به ماه نوامبر با وجود اعتراض سایر جشنواره‌های فیلم انتقاد کرد. جشنواره هفت ساله فیلم رم به تاریخ «مار کو مولر» شاهد تغییرات فراوانی نسبت به سال‌های گذشته بوده است که مهم‌ترین آنها تغییر تاریخ برگزاری فستیوال از اواسط اکتبر به نوامبر است تا این جشنواره بین‌المللی بین جشنواره‌های فیلم تورنتو و برلین بر گزار

ادب‌وهنر

درباره آینده مبهم خوشنویسی در ایران دزدیدن منار و کندن چاه

و در پاسخ سوال گزارشگر که از او می‌پرسد: «یا برای دست یابی به پول نقاشیخط می‌کنید؟» می‌گوید: «بله، این واقعیتی غیرقابل انکار است.» با کمال تأسف سرنوشت هنر در این سرزمین مفهوم خود را از دست داده‌از یک‌طرف متولیان هنر به وظایف خود آگاه نیستند و هنر را به بیراهه کشیده‌اند چرا که به هنر تو به چشم تهاجم منخط فرهنگ غربی نگاه می‌شود و از طرف دیگر افراد بی‌هنر و فرصت‌طلب به حرفه نقاشی هجوم آورده‌اند، که جز کسب درآمد سوبایی در سر ندارند. در راس این‌خیل عظیم خوشنویس است که یک به یک در صف نوبت ایستاده تا از این آب‌خوهر سیراب شوند. نور گوک نقاش پرآوازه هلندی در عمر کوتاه خود یک‌هزار اثر خلق کرد که موفق به فروش یکی هم نشد. او به خوبی می‌دانست مردم زمانه‌اش از درک آثار او عاجزند و از سرنوشت خود آگاه بود که تا پایان عمر باید با فقر دست و پنجه نرم کند. او در آینده زندگی می‌کرد. یکبار برای دلاری برادرش در نامه خود چنین نوشت: «تنوی عزیزم، مطمئن هستم که روزی آثار من درک خواهد شد.» حال اگر نور گوک را با برخی هنرمندانی که ادعای فروش آنچنانی آثارشان دارند، مقایسه کنیم، به عمق فاجعه



نیست چراکه این موسیقی در گستره وسیعی از جهان شنیده شده است.» همچنین پیتر جی‌شارپ، از کارشناسان موسسه معتبر موسیقی آمریکا از کنسرت لطفی با عنوان رویداد مهم تاریخی در موسیقی نیویورک یاد می‌کند و در گزارشی می‌نویسد: «محمدرضا لطفی نوازنده چیره‌دست تار و سه‌تار ایران پس از ۱۹ سال در نیویورک بار دیگر به صحنه رفت و این کنسرت که در دو بخش به بادهنوازی تار و سه‌تار به همراه تمبک محمد قوی حلم برگزار شده بود با استقبال کم‌نظیر مخاطبان آمریکایی رویه‌رو شد. در سالتی که مملو از تماشاگر بود و از نقاط مختلف آمریکا

سوال مشایخی درباره موزه تئاتر

جمشید مشایخی چنین طرح پرسش کرده است: «ما در کشور پیش از سینما، تئاتر داشتیم و قبل از تئاتر هم تفریه که گونه‌ای تئاتر است، برقرار بوده. پس چرا با این همه سابقه هنوز موزه‌ای برای تئاتر تأسیس نشده است. همچنین ما امروز سالن‌های دولتی داریم، در حالی که سالن‌های تئاتر باید غیردولتی باشند».

درآمد اعلام می‌کند. وصف حال خوشنویسان ایران یادآور ضرب‌المثل درددین منار و کندن چاه است. بهتر نیست انجمن قبل از تولید هرچه بیشتر خوشنویس به سرنوشت آنها بیندیشد که پس از اخذ دانشنامه خوشنویسی و راه‌اشدن در اجتماع، جایگاه‌شان کجاست و کدام نیاز جامعه را برطرف می‌کنند؟ اما همه‌ساله صدها خوشنویس با سرانجامی نامعلوم و بی‌هدف در سطح کشور راه می‌شوند بدون اینکه کسی در انتظار آنها باشد. به همین دلیل است که نوشته خود را با دیجیتال پرینت به جای نقاشی قالب می‌کنند. آیا وقت آن نرسیده مسئولان فکری به حال این فشر بی‌مصرف کنند که چون قاجر بر بستر هنرهای تجسمی رویده‌اند؟ باید بپذیریم که خوشنویس هم مانند بسیاری از امور سفر با کجاوه، شخم‌زدن با بیل و آبیاری با آب‌پاش منسوخ شده و عملکردی ندارد. بنابراین برای حفظ و اعتلای این هنر، لازم است نمونه‌های موجود از آثار متقدمین را حفظ و حراست کرد و از آنها پاسلداری کنیم نه اینکه به تولید و تکثیر آن بپردازیم و دوباره آن را رونق دهیم که در راه ترویج هنر گلفی برداشتیم. مسوول سابق موزه هنرهای معاصر که اوایل دهه ۸۰ خوش درخشید، ازدهای هفته هنر را پس از ۲۰ سال در این سرزمین بیدار کرد. غافل از آنکه بااین صحنه‌سازی‌ها، خوشنویس‌نگون‌یخت با برجسب‌قیمت‌سازی که در دور از واقعیت است، مشتری‌های معمول خود را نیز از دست خواهد داد.

■ ■ ■

حواشی مربوط به فعالیت هنری، حضور لطفی طی این شش سال با حاشیه‌های سیاسی نیز همراه بوده است. عده‌ای می‌پرسینند چرا در این دوران به ایران برگشته است؟ همزمانی بازگشت او با آغاز ریاست‌جمهوری محمود احمدی‌نژاد و دوستی و رابطه نزدیکش با کلهر، مشاور وقت احمدی‌نژاد، بحث‌انگیز شد. البته او سال گذشته در گفت‌وگویی با شرق که امکان انتشار نداشت، گفت که اول از همه چیز به کشورش فکر می‌کرده و کاری نداشته چه کسی سر کار آمده است. او خود را اخلاقا دارای شخصیتی دانست که حتی اگر صمیمی‌ترین دوستش در حاکمیت باشد، از موقعیت استفاده نمی‌کند. لطفی با این حال در گفت‌وگویی دیگر به شرق گفت: «در کشور ما پدیده‌ای وجود دارد به نام پدیده‌های پنهان و شام‌نمی‌توانید با این پدیده‌های پنهان صحبت کنید و این هم جزو همان خط قرمزهاست و به طور طبیعی شما باید یک بندباز باشید که بتوانید کارتان را انجام دهید. بخش عده‌ای از انرژی یک هنرمند صرف این بندبازی‌ها می‌شود.» از سوی دیگر اظهارنظر‌های او در مورد شماری از اساتید موسیقی طی یکی، دو سال اخیر، واکنش برخی محافل را در پی داشته. اوج این اظهار نظر‌ها مربوط به دوسال پیش بود که این نوازنده در یادداشتی، به بیان ناگفته‌هایی از آشنایی با پرویز مشکاتیان، تشکیل گروه عارف و شیدا و اتفاقات و تداخوری‌هایی که میان بزرگان موسیقی ایرانی در دهه‌های گذشته ایجاد شده، پرداخت و تاریخ ۳۰ سال اخیر موسیقی سنتی ایران را مرور کرد. با این تفاسیل بایدید دید استراتژی «لنتای می‌سی‌سی‌پی» درباره موسیقیدانان ایرانی با گذر زمان تغییر خواهد کرد یا نه؟! ■ ■ ■

نمایشگاه «چکناورایان» در لس آنجلس

لوریس چکناورایان رهبر ارکستر که به تازگی نمایشگاهی از نقاشی‌هایش را در گالری شیرین تهران روی دیوار بر هفته آینده نمایشگاهی دیگر از تابلوهایش را در گالری سیجون لس آنجلس افتتاح می‌کند. این نمایشگاه روز شنبه ۱۳۰ اردیبهشت ساعت شش بعدازظهر گشوده شده و به مدت یک هفته دیار خواهد بود.

■ ■ ■

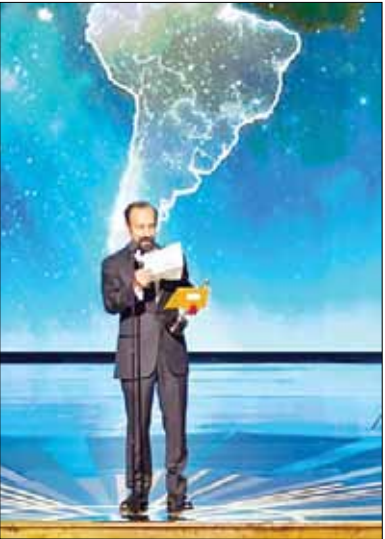
چند مساله درباره وضعیت امروز سینما

وضعیت امروز سینمای ایران همراه است با اعتراضاتی که به سینما از سوی افرادی خارج از سینما همچون رییس سازمان تبلیغات اسلامی می‌شود. در کنار کاهش فروش و افت ۲۰ درصدی مخاطبی، بی‌پاسخی مسوولان ارکان فیلم کارگردانان و بازیگران مرحوم شده. حبیب کاشوش سخنگوی شورای صنفی نمایش در گفت‌وگو با ایلسا می‌گوید: «اکنون چنین وضعیت نمایش را در فروش نداشته‌ایم. برای اطمینان از صحت این موضوع می‌توانید از تهیه‌کنندگان و سینماداران سوال کنید؛ وضعیتی که امروز سینما در آن قرار گرفته بسیار اسفبار است. دلیل این مسایلی که امروز برای سینمای ایران به وجود آمده هم شوکی است که عید به سینمای ایران وارد شد. به جرات می‌توانم بگویم نماینده به‌وجودآمده تنها گیجشی سینما را تحت‌الشعاع خود قرار داده و در حوزه تولید هم با مشکل برخورد کرده‌ایم. این وحشت الان در میان سینماداران هم هست. ما برای اکران فیلم باید التماس کنیم. او به نکته دیگری هم اشاره می‌کند: «سلب مسوولیت مسوولان وزارت ارشاد» و ادامه می‌دهد: «در شرایطی که حوزه هنری از یک سو و شهرداری تهران از سوی دیگر قانون را زیرپا می‌گذارند و به سینما حمله می‌کنند و وزارت ارشاد هم خود را کنار می‌کشد هیچ امیدی به سال ۹۱ نداریم. اعتراض خود را هم نسبت به این رویه اعلام کرده‌ایم اما هیچ امیدی به توجیه مسوولان نیست. هنگامی که قانونی زیرپا گذاشته‌شده عدم



یکی از مراسم امسال در جشنواره کن را «شون پن» برای آوارگان هایتیتی برگزار می‌کند. وی با برگزاری مراسم جمع‌آوری کمک‌های مالی برای مردم مصیبت‌زده هایتیتی، میهمان ویژه جشنواره کن خواهد بود. این مراسم که روز ۱۸ می برگزار خواهد شد، همراه با یک صیافت شام است که میهمانان ویژه به کمک مردم مصیبت‌زده در هایتیتی خواهند آمد. در مراسم بخشی از برنامه‌های است که جشنواره فیلم کن برای تقدیر از فعالیت‌های انسان‌دوستانه «شون پن» برگزار می‌کند. این بازیگر مطرح همکاری نزدیکی با جشنواره کن دارد. ■ ■ ■

اصغر فرهادی اول هفته به تهران آمد و در یک مراسم کوچک در یکی از مدارس خاص کودکان افغان حضور پیدا کرد. این برنامه در پی برآی علاقه او به وضعیت مهاجران افغان در ایران و با توجه به اظهارنظر‌های برخی مسوولان در زمینه طرد آنها از برخی مجامع عمومی و شهرهای کشورمان رخ داد. او همچنین در جشنواره کن اسامیل حضور دارد و براساس اعلام کمیسر امور آموزش فرهنگ و جوانان اتحادیه اروپا، اولین جایزه رسانه‌ای این اتحادیه به او اهدا خواهد شد. این جایزه روز ۲۰ می ۳۱ اردیبهشت) در جشنواره کن به این فیلمساز ایرانی تعلق خواهد گرفت. جایزه رسانه‌ای اتحادیه اروپا توسط داوران مستقل و اعضای کمیسیون آموزش، فرهنگ، زبان و جوانان اتحادیه اروپا به پروژه‌هایی اهدا می‌شود که سهرمی متعهدانه در توسعه چند فرهنگی ایفا می‌کنند. این جایزه به دلیل پروژه مشترک فرهادی و «الکساندر موله‌گی» از کمپانی «مونتو» به این دو اعطا می‌شود. ■ ■ ■



آینه‌های روبه‌رو

هفت نگاه؛ میهمانی بزرگ



گیزا واراگ سینیایی

■ طی چندسال گذشته نمایشگاه «هفت نگاه» میان مردم جایگاه ویژه‌ای باز کرده است. هر سال همه منتظرند تا موعد آن سرسرد تا به بازدید از آثار هنرمندان بیایند. با آنکه چیدمان تعداد زیاد آثار در کنار هم بسیار دشوار است اما مدیران این هفت گالری از عهده آن به خوبی بر آمدند و همین تعداد آثار در هفت نگاه پنجم نشان از حضور بیشتر جوانان در این دوره دارد که با این باعث خوشحالی است چون جوانان زیادی توانستند کارهایشان را در این نمایشگاه عرضه کنند. فکر می‌کنم این نمایشگاه مانند یک بازار بزرگ است و فرصت خوبی برای دیدشدن و فروش آثار هنری محسوب می‌شود تا هم مجموعه‌داران و هم مردم بتوانند آثار هنری را خریداری کنند. در اغلب نمایشگاه‌های هفت نگاه شرکت کرده‌ام و امسال هم اثری که در «هفت نگاه» پنجم ارایه داده‌ام متعلق به مجموعه «گل و مرغ‌ها» است که حدود یکسال قبل در نمایشگاه انفرادی‌ام در گالری «سین» در معرض تماشا گذاشتم. بعد از آن هم این مجموعه را در اصفهان نمایش دادم که مورد استقبال زیاد مخاطبان قرار گرفت. نمایشگاه «هفت نگاه» در چند سال اخیر به یک سنت زیبا تبدیل شده و هر بار که پا به این نمایشگاهی می‌گذارم، احساس می‌شوم که کارهای دوستدارن را می‌بینم. در واقع، این نمایشگاه به‌منابه میهمانی بزرگی از کارهای جوانان و همکاران پیشکسوت ماست. در کل کنار هم بودن این هفت گالری را بسیار مثبت می‌دانم و معتقدم که مدیران این هفت گالری به خوبی توانستند این نمایشگاه را سازمان‌دهی کنند، تنها نکته‌ای که در آخر می‌توانم به آن اشاره کنم، چاپ نشدن کاتالوگ جامعی از آثار شرکت‌کنندگان در این دوره هفت نگاه بود، که برای مخاطبان، هنرمندان، گالری‌دارها و مجموعه‌داران نمونه‌ای بارز از آثار باقی می‌گذاشت.

دور ایران

راه‌اندازی مدرسه شعر و ترانه

■ نخستین جشنواره ادبی اسرباران با معرفی برندگان و نوید راه‌اندازی «مدرسه شعر و ترانه» در این فرهنگسرا به پایان رسید. در ادامه دکتر حسین پاینده در این نشست با فراقت بیانیه هفت داور و سخنرانی کرد. گفت: «هر چند شکل‌های دیگری از روایتگری همچون حکایت، مثل و... در کشور وجود داشته است، اما ۹۰ سال پیش، معددی چهارزاده با انتشار نخستین داستان کوتاه، بستر این نوع ادبیات جدید را بر ادبیات داستانی کشور پاشید.»محمدهلی بهمنی در این نشست به عنوان نماینده هیات داوران بخش شعر گفت: «با وجود این ترانه‌سرایان، خراب، متنافسه شرکت‌های موسیقی این نسل را به سهل‌اندیشی و اجرای ریتم به جای ملودی عادت داده‌اند و با بی‌ذوقی ترانه‌های بسیار بدی، در کشور اجرا می‌شود.»محمدهسین شهنواری نیز به عنوان یکی از داوران بخش داستان کوتاه هنگام تقدیم جایزه، گفت: «حدود ۱۰ سال است که به داوری و دبیری جشنواره‌های ادبی اشتغال دارم، اما هنگام داوری آثار این جشنواره ادبی واقعا از کیفیت خوب آثار شگفت‌زده شدم.»پاینده، حسین سنایور و محمدحسین شهنواری به عنوان اعضای هیات داوران بخش داستان کوتاه، چهار داستان «من این مخزق‌رات را باور ندارم»، «چراقد فرانسوی»، «سرهایی که نفس می‌کنند» و «هویت کیه» به نویسندگی سوسن شریفی، شیوا آتش‌شن، مه‌رانگیز اشراقی و نازنین جولا را شایسته تقدیر دانستند. رتبه‌های اول تا سوم این بخش نیز به ترتیب به افسانه احمدی برای داستان «گر به باید خودش بیاید»، رعنا سلیمانی برای داستان «هرتا» و سولماز اسعدی برای داستان «گمشده» تعلق گرفت. همچنین محمدهلی بهمنی، آشفین بدایلی و عبدالعجیز کاکایی به عنوان اعضای هیات داوران بخش ترانه، مهدی ایوبی، روزبه آزادی و یلدا انگاری را به ترتیب به عنوان رتبه‌های اول تا سوم بخش ترانه معرفی کردند. در بخش شعر کلاسیک و نو نیز، محمدهلی بهمنی، محمدرضا عبدالمکلیان ومحمدمسلمانی برگزیدگان را به ترتیب در بخش شعر کلاسیک، یاسر قنبرپور، مریم بهروزی و پوزیا شیرانی و در بخش شعر نو، حسین تریب، سرشتی و مهتاب خسروشاهی به عنوان رتبه‌های اول تا سوم معرفی کردند.

تشبیه فردوسی به کوندرا

■ ابوالفضل خطیبی در مراسمی در تهران به تشبیه میلان کوندرا و فردوسی پرداخت. وی در مراسم بزرگداشت فردوسی گفت: «میلان کوندرا در روایت از همان شگردی بهره می‌برد که فردوسی از آن استفاده کرده است. در زمان «بار هستنی» میلان کوندرا دیده می‌شود این نویسنده داستان را راه می‌کند و به جایگاهی می‌رساند.» در ادامه هد این مراسم، پیام ویدیویی جلال خاقلی مطلق بخش شد. در این شاهنامه‌پژوه در پیامش اظهار کرد: «شاهنامه» یک کتاب نیست بلکه یک کتابخانه است که موضوع‌های بسیاری را می‌توان از آن آموخت و هر صفحه و سطر «شاهنامه» موضوعاتی برای آموختن و یاد گرفتن دارد. ■ ■ ■